

نقد تاریخی داستان اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) در رویداد افک با توجه به گزارشات قرآن

مجید معارف^۱

ملیحه السادات سید رضا^۲

مریم میرزایی^۳

چکیده

روایات افک عایشه به عنوان معرف مصداق آیه افک، در منابع اهل تسنن به شهرت رسیده‌اند. اما از دیرباز این سوال مطرح بوده که چرا پیامبر(ص) طبق ادعای روایات افک عایشه، اجرای حد را یک ماه به تعویق انداخت و پس از یک ماه تنها چهار نفر را حد زد نه یک عصبه را؟ از آنجا که این سوال عصمت پیامبر(ص) را زیر سوال می‌برد، برخی اندیشمندان این امکان را مطرح کرده‌اند که آیه قذف پس از آیات افک نازل شده باشد و علت عدم اجرای بلافاصله حکم حد، عدم تشریح حکم حد قذف بوده است. اما با توجه به این که حکم عطف به ماسبق نمی‌شود، این پاسخ نمی‌تواند مشکل روایات افک عایشه را حل کند. یعنی اگر یک ماه پس از شیوع افک، حکم وجوب حد قذف نازل شده باشد، پیامبر(ص) نمی‌بایست تهمت‌زندان را که به سبب ندانستن حکم معذور بوده‌اند، حد بزند. در این مقاله امکان دیگری مطرح شده که آیات قذف می‌توانند به همان ترتیب مصحف پیش از آیات افک، اما پس از بالا گرفتن شایعه نازل شده باشند. در این صورت چون حکم شرعی عطف به ماسبق نمی‌شود، زدن حد بر پیامبر(ص) واجب نبوده است. گزارشات قرآنی از رویداد افک، از آن جهت که فضایی را تصویر می‌کنند که تهمت ناروا دهان به دهان پخش شده و اوج گرفته بود، این نظریه را تایید می‌کنند. چرا که اگر حکم حد قذف پیش از اوج گرفتن شایعه نازل شده بود، افراد جسارت ساختن و پخش تهمتی چنین زشت را علیه همسر پیامبر(ص) پیدا نمی‌کردند. بنابر این اجرای حد بر چهار نفر توسط پیامبر(ص)، داستانی ساختگی و خلاف گزارشات قرآنی و غیرقابل پذیرش است.

کلیدواژه‌ها: آیات افک، مصداق آیات افک، آیه قذف، عصمت پیامبر، حد قذف، عایشه، ماریه.

maaref@ut.ac.ir

۱- استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

۲- استادیار دانشکده اصول دین.

۳- کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول دین مرکز تهران.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۴/۵.

۱. طرح مسئله

مشهورترین روایات وارد در سبب نزول آیات افک، روایت افک عایشه است که در منابع عامه مشهور و مورد پذیرش آنهاست و از آن طریق وارد منابع شیعه شده و بعضی مفسران شیعه نیز آن را پذیرفته‌اند. گرچه بر روایات افک عایشه اشکالات نقدالحدیثی اساسی وارد است اما بحث اجرای حد بر چهار نفر از قاذفین به عایشه توسط پیامبر(ص)، به سبب تقابل با آیات قرآن و عصمت پیامبر(ص) در رابطه با عدم اجرای بلافاصله حکم حد به عنوان رهبر جامعه اسلامی و معطل گذاشتن آن به مدت حداقل یک ماه، و نیز به سبب تقابل با گزارشات قرآنی که از وسعت شیوع تهمت ناروا بر یکی از زنان جامعه اسلامی حکایت می‌کند با متن روایت که تنها از حد خوردن چهار نفر سخن می‌راند، از نکات قابل نقد روایات افک عایشه است که جای تامل دارد و تقابل‌های بسیاری را بین علمای مسلمان رقم زده است. بنابراین مسئله حد قاذفین به همسر پیامبر(ص)، هنوز کنکاش جدیدی را می‌طلبد و این سوال مطرح است که آیا زدن حد بر آنان، به پیامبر(ص) واجب بوده است یا خیر و آیا پیامبر(ص) در اجرای حد الهی کوتاهی کرده است یا خیر و بر اساس کدام دلایل می‌توان به درستی پاسخ حکم کرد.

۲. مقدمه

رویداد افک از ماجراهای پر جنجال تاریخ اسلام، از گذشته تا کنون، بوده است. طبق گزارش قرآنی از این رویداد، بانویی شوهردار و مومن از جامعه اسلامی مورد تهمت ناروای یک گروه همبسته از مسلمانان شاخص قرار گرفته و این تهمت ناروا به جهت ناآگاهی مسلمانان از بزرگی گناه زدن تهمت ناروا به زن شوهردار، به شکل یک شایعه در جامعه دهان به دهان پخش شده و مورد باور قرار می‌گیرد.

نقد تاریخی داستان اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) در رویداد افک با توجه به گزارشات قرآن // ۹

مفسران قرآن معتقدند به جهت سیاق آیات و نیز به جهت روایات تفسیری این زن قطعاً یکی از همسران پیامبر(ص) بوده، در نتیجه این شایعات نه تنها آن بانو، که پیامبر(ص) را نیز آماج تیرهای زهر آگین خود قرار داده بوده‌اند. روایات تفسیری، مصداق آیه افک را بانو ماریه یا بانو عایشه می‌دانند. اما روایات افک عایشه و افک ماریه از نقطه نظر اجرای حد دارای اشکالات اساسی حل نشده می‌باشند. این مقاله بر آنست تا با طرح اشکالات پاسخ داده نشده‌ی افک عایشه در زمینه اجرای حد توسط پیامبر(ص) که ادعا دارند پیامبر(ص) حد را یک ماه پس از بروز و شیوع شایعه و آن هم فقط در مورد ۴ نفر اجرا کرد، و سپس توجه به گزارشات قرآنی و تفاسیر قرآن کریم موجود بخصوص تفسیر المیزان و بازخوانی دقیق و تدبر در آیات مربوط به این رویداد امکان دیگری مبنی بر این که پیامبر(ص) اساساً حدی بر تهمت‌زندانگان به همسر خویش جاری نکرده است را بررسی و دلایل درستی این امکان را ارائه دهد. در این نوشتار سعی شده است از روش علامه طباطبایی در تفسیر آیات افک پیروی و دلایل با تحلیل منطقی و اصل قرار دادن گزارشات قرآنی به صورتی ارائه شود که بتواند اقناع کننده همه اندیشمندان مسلمان، و نه شیعه به طور خاص، باشد. نتیجه‌ای که به طور منطقی از اثبات موضوع این مقاله به دست می‌آید در مرحله اول کنار گذاشتن یک سری روایات تفسیری مشهور که در تقابل کامل با قرآن کریم و شان پیامبر(ص) هستند، و کارهایی را در رابطه با اجرای حد به پیامبر(ص) نسبت می‌دهند که با عصمت پیامبر(ص) در تقابل و انجام آنها از شان رسالی پیامبر(ص) به عنوان رهبر جامعه اسلامی به دور است، می‌باشد. در مرحله دوم پذیرش راهکار مقاله منجر به پذیرش روایات تفسیری نامشهور که هم‌خوان با گزارشات قرآنی از رویداد افک هستند، خواهد شد. تفاوتی که این مقاله با مطالعات قبلی انجام شده در زمینه روایات تفسیری رویداد افک دارد این

است که مطالعات پیشین در این زمینه گرچه اشکالات موجود در روایات تفسیری آیه افک را به درستی مشخص می‌کنند و ارائه می‌دارند اما، این سوال که پس پیامبر(ص) اساساً در رویداد افک در رابطه با حد تهمت‌زنندگان به همسرش چه کار درستی انجام داد را بی‌پاسخ می‌گذارند، در حالی که این نوشتار پاسخ روشنی را برای این سوال با توجه به گزارشات قرآنی می‌یابد.

۳. تفاوت مصداق‌شناسی آیه افک در قرآن و روایات

رویداد افک که طی آن به یکی از زنان جامعه اسلامی تهمت ناروا زده شده است، از گزارشات تاریخی قرآن در سوره نور بوده و آیات مربوطه به آیات افک معروفند. قرآن کریم گرچه این رویداد را به خوبی به تصویر می‌کشد و از موضع گروه‌های مختلف اصحاب در برخورد با این شایعه پرده برمی‌دارد، اما بر خلاف روایات مدعی‌شان نزول آیات افک، به صراحت از کیستی این بانو سخن نمی‌راند؛ گرچه مفسران قرآن کریم برخی با استدلال به سیاق آیات مربوطه و نوع گزارش قرآن از این رویداد و برخی با استدلال به روایات صادره در سبب نزول این آیات، به اجماع معتقدند این زن، یکی از همسران پیامبر(ص) بوده است. این در حالی است که منابع روایی به صراحت یکی از دو بانو، را به عنوان مصداق این آیات اعلام می‌دارند. روایات مشهور افک در منابع عامه^۱ بانو عایشه و روایات مشهور در منابع خاصه بانو ماریه و نیز گروهی روایات غیر مشهور در منابع روایی و تاریخی عامه، بانو ماریه را به عنوان فردی که مورد تهمت اهل افک قرار گرفت، معرفی می‌کنند. نقطه قابل ملاحظه این که با وجود مسلم بودن رخ دادن رویداد افک، هر سه گروه روایات ذکر شده، از نقطه نظر اجرای حد دارای اشکالات اساسی

۱- که از آنجا به بعضی منابع شیعه نیز راه یافته اند

نقد تاریخی داستان اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) در رویداد افک با توجه به گزارشات قرآن /// ۱۱
نقدالحديثی هستند که دانشمندان اسلامی فریقین، پیش از این پاسخ قانع کننده‌ای
برای این اشکالات ارائه نکرده‌اند.

۴. طرح داستان اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) در روایات افک عایشه در منابع عامه

روایات افک عایشه از روایات مشهور در منابع اهل تسنن است که بعضی
علمای شیعه نیز آن را پذیرفته و نقل کرده‌اند. در حقیقت افک عایشه، یکی از دو
گروه روایت افک در اهل تسنن است که بر خلاف دیگری به شهرت رسیده‌است.
داستان اجرای حد قذف بر تهمت زنندگان به همسر پیامبر(ص) در رویداد افک، نه
تنها برای اولین بار در روایات افک عایشه مطرح شده، بلکه تنها طرح کننده این
داستان نیز روایات افک عایشه‌اند. خلاصه روایت این است که عایشه می‌گوید
پس از نزول حکم حجاب همسران پیامبر(ص)، زمانی که در سفر جنگی به همراه
پیامبر(ص) بوده، شبی کاروانیان، کجاوه خالی او را به خیال این که او در کجاوه
است بر شتر بسته و با خود می‌برند و او از کاروان جا می‌ماند. صبح یکی از
لشکریان پیامبر(ص) به نام صفوان او را پیدا کرده به کاروان می‌رساند و پس از
بازگشت به مدینه منافقان برایشان حرف در می‌آوردند و این در حالی بوده که
عایشه پس از بازگشت به مدینه به مدت یک ماه بیمار شده و از این جریان کاملاً
بی‌خبر بوده است. پیامبر(ص) هم شک می‌کند و در عین حال در مسجد از انصار
و مهاجرین علیه کسانی که به همسرش تهمت زده‌اند، یاری می‌خواهد و در این
رابطه بین اوس و خزرج درگیری روی می‌دهد. بعد آیات افک نازل می‌شود و
برائت عایشه از آسمان می‌آید. در نتیجه پیامبر(ص) عبدالله بن ابی و حسان شاعر و
دو نفر به نام‌های حمنه و مسطح را حد می‌زند. طبق ادعای این روایات از زمانی

که شایعه شروع شده و اوج می‌گیرد تا زمانی که پیامبر(ص) حد را بر تنها چهار نفر اجرا می‌کند، حداقل یک ماه طول می‌کشد.

این روایت از روایات بسیار پرتکرار در کتب روایی، تاریخی و تفسیری عامه است و به طرق مختلفی از عایشه، عمر، ابن عباس، ابو هریره، ابوالیسر انصاری، ام رومان مادر عایشه، و دیگران نقل شده، که با یک‌دیگر اختلافاتی دارند ولی اساس روایات یکی است. متن این روایات را در اکثر کتب تفسیری ذیل آیه افک (نک: فخر رازی، ۲۳/ ۳۴۲-۳۴۴؛ زمخشری، ۳/ ۲۱۷ - ۲۱۹؛ مغنیه، ۵/ ۴۰۵؛ قرطبی، ۱۲/ ۱۹۷ - ۲۰۰) و نیز کتب تاریخی (نک: طبری، تاریخ الطبری، ۲/ ۶۱۱ - ۶۱۲؛ ذهبی، ۲/ ۲۶۹ - ۲۸۰؛ ابن کثیر، ۴/ ۱۶۰) و روایی عامه (نک: بخاری، ۹/ ۴۵۷؛ ۱۴/ ۳۱؛ ۱۵/ ۴۵۸؛ مسلم، ۸/ ۱۱۲) می‌توان دید و تعدادی از این روایات را سیوطی در الدر المنثور و طبری در جامع البیان گزارش کرده‌اند (نک: سیوطی، ۵/ ۲۵ - ۳۱؛ طبری، جامع البیان، ۱۸/ ۵۰ - ۷۰).

از آنجا که روایات افک عایشه در ادعای اجرای حد بر قاذفین توسط پیامبر(ص) یگانه‌اند و حتی روایات افک ماریه چه نسخه شیعی و چه نسخه سنی چنین ادعایی را مطرح نمی‌کنند، راستی آزمایی این ادعا با محک قرآن کریم، لازم می‌نماید و از آن رو که قرآن در این مطلب صراحت ندارد، جهت نائل شدن به واقعیت مطلب، می‌بایست در اشارات قرآنی از این رویداد غور نمود.

۱-۴. جمع‌بندی گزارشات افک عایشه در منابع عامه

- ۱- عایشه همسر رسول خدا(ص) در زمانی که به همراه رسول خدا(ص) به سفر جنگ رفته و یک شب از قافله جا مانده بود، از جانب منافقان متهم به رابطه با مسلمانی که صبح همان روز او را به کاروان مسلمانان رساند، شده بود.
- ۲- درباره عایشه حرف بسیار شد تا این که پیامبر(ص) هم شک کرد ولی

- نقد تاریخی داستان اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) در رویداد افک با توجه به گزارشات قرآن /// ۱۳
- خود عایشه تا مدت یک ماه که شایعه اوج می گرفت، اصلا از این ماجرا خبردار نشد.
- ۳- پیامبر در این یک ماه فقط از مسلمانان دیگر در رابطه با تهمت به همسرش یاری می خواست و اقدامی در جهت اجرای حد، برای جلوگیری از ادامه شایعه نمی کرد.
- ۴- پس از یک ماه از بروز و شیوع شایعه، آیات افک در براءت عایشه نازل شد.
- ۵- پس از نزول آیات افک، پیامبر ﷺ چهار نفر از تهمت زندگان را حد زد.

۲-۴. دو اشکال اساسی روایات افک عایشه در رابطه با اجرای حد قذف

روایت افک عایشه به صورت عام دارای اشکالات نقدالحدیثی و تناقض های درونی و تضاد با برخی گزارشات تاریخی و نیز تقابل با برخی آیات قرآن است (نک: طباطبایی، ۱۵ / ۱۰۱ و ۱۰۲؛ عاملی، حدیث افک؛ عسکری، ۴ / ۱۹۴ - ۲۲۰) که از موضوع این نوشتار خارج است. اما به طور خاص پذیرش این روایات منجر به طرح دو سوال و اشکال اساسی زیر در رابطه با اجرای حد قاذف توسط پیامبر(ص) می شود:

۱-۲-۴. به تاخیر انداختن اجرای حد قذف به مدت یک ماه توسط پیامبر(ص)

به تاخیر افتادن اجرای حکم حد آن هم به مدت حداقل یک ماه توسط پیامبر(ص) مخالف وظیفه اصلی پیامبر(ص) و سوال برانگیز است. علت سوال برانگیز بودن زمان اجرای حد قذف در روایات افک عایشه آن است که در سوره نور ابتدا حکم حد زنا، سپس حکم قذف زنان شوهردار از طرف همسر و نیز غیر همسر، و

سپس بلافاصله آیات افک آمده است و به طور طبیعی وقتی خواننده آیات سوره نور را می‌خواند به ذهن متبادر می‌شود که آیات افک (النور، ۱۱-۱۷) پس از آیه قذف (النور، ۴) نازل شده‌اند و پیامبر(ص) در زمان ساخته شدن و نیز شیوع افک و تهمت به همسرش، حکم حد قاذف را می‌دانست. از این رو پیامبر(ص) می‌بایست بلافاصله پس از شروع (نه گسترش) شایعه افک، حد قذف را اجرا می‌کرد و بدین وسیله از شیوع آن نیز جلوگیری می‌کرد. پس چرا طبق ادعای روایت، پیامبر(ص) بلافاصله پس از بروز تهمت، حد را بر تهمت‌زندگان اجرا نکرده تا جلوی شیوع تهمت ناروا گرفته شود و اجازه داده این شایعه اوج بگیرد و به مدت یک ماه دهان به دهان بگردد و به جای اقدام به اجرای حد الهی، در مسجد از مهاجرین و انصار کمک خواسته است؟ (نک: طباطبایی، ۱۵/۱۰۲)

۴-۲-۱. پاسخ بعضی دانشمندان مسلمان به چرایی تاخیر

اجرای حد قذف

بعضی اندیشمندان مسلمان جهت رفع اشکال ایجاد شده در اثر پذیرش روایات سبب نزول آیه افک در رابطه با اجرای حد قاذف، این امکان را مطرح کرده‌اند که شاید آیات قذف بر خلاف ترتیب مصحف و پس از آیه افک نازل شده باشد. از جمله علامه طباطبایی ضمن طرح اشکالات وارد بر روایات افک عایشه و طرح اشکال اجرای حکم قذف پس از یک ماه در روایت، می‌فرماید: «پس حق مطلب این است که هیچ گریزی از این اشکال نیست، مگر اینکه کسی بگوید: آیه قذف قبل از داستان افک نازل نشده بوده، بلکه بعد از آن نازل شده، و علت توقف رسول خدا (ص) هم این بوده که حکم این پیش‌آمد و نظایر آن در اسلام نازل نشده بوده، و رسول خدا (ص) منتظر حکم آسمانی آن بوده» (نک: طباطبایی، ۱۵/۱۰۳). نیز ایشان پس از طرح اشکالات وارد بر افک ماریه می‌فرماید: «ولی آنچه در حل

نقد تاریخی داستان اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) در رویداد افک با توجه به گزارشات قرآن /// ۱۵

اشکال حد بر هر دو صنف از روایات باید گفت... این است که بگوییم آیات افک قبل از آیه حد قذف نازل شده و با نزول آیه افک هم غیر از براءت مقذوف در صورت اقامه نشدن شاهد و غیر از حرمت این عمل چیزی تشریح نشد، یعنی حد قاذف در آن آیه تشریح نشد، چون اگر حد قاذف قبل از داستان افک تشریح شده بود، هیچ مجوزی برای تاخیر آن، و به انتظار وحی نشستن نبود، و هیچ یک از قاذف‌ها هم از حد رهایی نمی‌یافتند» (طباطبایی، ۱۵ / ۱۰۵). حجتی نیز ضمن بحث مفصل بر روایات افک، نزول آیه قذف پس از آیات افک را به عنوان نظر درست می‌پذیرد. (نک: حجتی، ۷۳)

۲-۱-۲-۴. اشکال وارد بر پاسخ فوق

توجه به موردی ظریف ما را در پذیرش پاسخ فوق مردد می‌سازد. به نظر می‌رسد این استدلال که: «آیات قذف پس از آیات افک نازل شده‌اند و پیامبر(ص) به مدت یک ماه پس از نزول آیات افک صبر کرد تا حکم حد نازل شود و چون حکم حد قذف دیر تشریح شد، پس اجرای آن به تعویق افتاد» دارای اشکال است و آن این که حکم قانونی عطف به ما سبق نمی‌شود؛ یعنی اگر آیات قذف پس از افک و شیوع شایعه نازل شده باشد، نمی‌توان تهمت زندگان را حد زد و آنان معذورند چون حکم را نمی‌دانستند. این اصل در آیات متعددی از قرآن (مانند الاسراء، ۱۵؛ القصص، ۵۹؛ البقره، ۲۷۵؛ النساء، ۲۲) مورد توجه واقع شده است (نک: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۳ / ۳۷۹ و ۳ / ۴۸؛ مکارم، ۳ / ۳۳۱). از جمله در مورد ازدواج با همسران پدران می‌فرماید: «... با زنانی ازدواج نکنید که پدران شما با آنان ازدواج کرده‌اند. چرا که این کار، عمل بسیار زشتی است و ... مگر آنچه گذشته است» (النساء، ۲۲) و یا پس از تحریم ربا می‌فرماید «... پس هر که اندرز پروردگارش به او رسید و (از رباخواری) دست کشید، آنچه پیشتر بوده (و سود و

نزولی که قبلا دریافت نموده است) از آن او است...» (البقره، ۲۷۵) و مواردی دیگر (مانند النساء، ۲۳). پس وقتی قرآن کریم در احکامی مانند حرمت ازدواج با همسر پدر یا جمع بین دو خواهر یا ربا، از کیفر دادن موارد انجام شده پیش از ابلاغ حکم تحریم می‌گذرد، چگونه در صورت اعلام حد قذف پس از آیات افک و شیوع شایعه، کسانی را که قبلا این شایعه را ساخته و یا پخش کرده‌اند، مستحق اجرای حد بدانند؟

۴-۲-۲. اجرای حد قذف تنها بر چهار نفر

روایات افک عایشه اعلام می‌دارند که پیامبر(ص) پس از یک ماه تنها چهار نفر (عبدالله بن ابی، حسان شاعر، مسطح ریب ابوبکر و حمنه همسر طلحه) را حد زد. اما این مطلب تا چه حد با گزارشات قرآنی رویداد افک هم خوانی دارد؟

۴-۲-۲-۱. تقابل گزارشات قرآنی رویداد افک با حد خوردن

فقط چهار نفر

قرآن کریم در گزارش ماجرای تاریخی افک در رابطه با قاذفین و تهمت‌زنندگان به همسر پیامبر(ص) دو گروه سازندگان شایعه و پخش‌کنندگان شایعه را معرفی می‌کند. اولین گروه کسانی بودند که افک و تهمت ناروا را ساختند و وارد جامعه اسلامی کردند و دومین گروه کسانی که زبان به زبان تهمت را گرفته و بیان کردند و باعث شیوع و اوج گرفتن شایعه در جامعه شدند. در رابطه با گروه اول قرآن می‌فرماید «... إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ...» (النور، ۱۱)!. کتب لغت، افک را در معانی دروغ (فراهیدی، ۵ / ۴۱۶؛ ابن فارس، ۱ / ۱۱۸؛

۱- یعنی: «به بقین کسانی که آن تهمت [بزرگ] را [درباره یکی از همسران پیامبر به میان] آوردند، گروهی [هم‌دست و هم‌فکر] از [میان] خود شما بودند، آن را برای خود شری می‌پندارید، بلکه آن برای شما خیر است، برای هر مردی از آنان کیفری به میزان گناهی است که مرتکب شده، و آن کس که بخش عمده آن را بر عهده گرفته است، برایش عذابی بزرگ است».

نقد تاریخی داستان اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) در رویداد افک با توجه به گزارشات قرآن /// ۱۷

قرشی، ۱ / ۸۹، ساخته (قرشی، ۱ / ۸۹)، چیزی که از حقیقتش بر گردانده شده باشد (قرشی، ۱ / ۸۹؛ راغب اصفهانی، ۷۹؛ فیومی، ۲ / ۱۷)، به کار برده‌اند. صاحب قاموس قرآن معتقد است این لغت در قرآن کریم بمعنی ساخته، دروغ و برگرداندن بکار رفته است. طبرسی افک را به معنی رسانین دروغ می‌داند (طبرسی، جوامع الجامع، ۳ / ۹۷). عصبه به گروه بهم پیوسته و پشت به پشت هم داده (راغب اصفهانی، ۵۶۸)، تعدادی بین ده تا چهل نفر (فراهیدی، ۱ / ۳۰۹؛ طریحی، ۲ / ۱۲۲؛ صاحب بن عباد، ۱ / ۳۴۴) گفته می‌شود. فراهیدی خاطر نشان می‌سازد که عصبه به تعداد کمتر از ده نفر گفته نمی‌شود (فراهیدی، ۱ / ۳۰۹). اما در رابطه با گروه دوم قرآن می‌فرماید: «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ»^۱ (النور، ۱۵) که خطابی عام به افراد گروه دوم است. مجموع افراد این دو گروه مسلماً تعداد قابل ملاحظه‌ای از مسلمانان را شامل می‌شود. اما کسانی که طبق گزارش روایت افک عایشه حد خورده‌اند فقط چهار نفر بودند که نه تنها ارتباط خاصی بین آنان گزارش نشده بلکه به نظر نیز نمی‌رسد ارتباط خاصی با یک‌دیگر داشته باشند؛ خواهر یکی از همسران پیامبر(ص)، یکی از مهاجرین و سابقین (و در بعضی نقل‌ها ربیب ابوبکر)، یک شاعر، و عبدالله بن ابی منافق معروف چه ارتباط و پیوند محکمی با یک‌دیگر دارند که عصبه محسوب شوند؟ به علاوه قطعاً اگر حد زدن در کار بوده، می‌بایست تعدادی بسیار بیش از ۴ نفر حد می‌خوردند، چرا که «قذف به مجرد ارتکاب حد می‌آورد» (طباطبایی، ۱۵ / ۹۳) و ربطی به این ندارد که تهمت‌زننده خود شایعه را ساخته است یا شایعه‌ای را که کسی دیگر ساخته، بیان کرده است، و مجموع افراد دو گروه شایعه‌ساز و شایعه‌پراکن با توجه به سرزنش‌های مکرر قرآن در آیات

۱- یعنی: «چون آن تهمت بزرگ را [زبان به زبان از یکدیگر می‌گرفتید و با دهان‌هایتان چیزی می‌گفتید که هیچ معرفت و شناختی به آن نداشتید و آن را [عملی] ناچیز و سبک می‌پنداشتید و در حالی که نزد خدا بزرگ بود».

سوره نور و گفتار مفسران، مسلما بسیار قابل ملاحظه بوده است. آنچه مسلم است، حد خوردن تعداد زیادی افراد که بخصوص در بین آنها تعدادی در حدود ده نفر یا بیشتر، افراد عصبه و بهم پیوسته و همبسته وجود داشته باشند، چیزی نیست که انتظار داشته باشیم همه مورخان گزارش آن را فراموش کرده باشند. این استدلال موجب تشکیک در درستی ادعای روایت مبنی بر اجرای حد بر قاذفین توسط پیامبر(ص) و لزوم بررسی امکان‌های دیگر مانند امکان عدم وجوب اجرای حد بر قاذفین، بر پیامبر(ص) می‌شود.

۵. بررسی امکان عدم وجوب اجرای حد بر قاذفین، بر پیامبر ﷺ

چنانچه از نظر گذشت اگر آیات شامل حکم حد قذف، پس از آیات افک، یعنی پس از اوج گرفتن شایعه، نازل شده باشند، پیامبر(ص) نمی‌بایست حدی بر تهمت‌زندگان اجرا می‌کرد چرا که حکم حد، عطف به ماسبق نمی‌شود و تهمت‌زندگان نیز به خاطر ندانستن حکم معذور بودند. پس ادعای نزول آیات قذف پس از افک مشکلی را حل نمی‌کند و باید اذعان کنیم آیات قذف قبل از آیه افک و به همان ترتیب مصحف نازل شده‌اند. در نتیجه سوال همچنان باقی می‌ماند که چرا پیامبر(ص) با وجود علم به وجوب حد قاذف، طبق ادعای روایات افک عایشه اجرای حد را حدود یک ماه یا بیش‌تر به تاخیر انداخت؟

از طرف دیگر توجه به این مطلب که هیچ روایت سبب نزول و گزارش تاریخی در حد خوردن تعداد قابل ملاحظه و زیادی از مسلمانان در یک زمان توسط پیامبر(ص) وجود ندارد، و این که گزارش افک عایشه مبنی بر حد خوردن چهار نفر نیز با گزارشات قرآنی هم‌خوانی ندارد، این احتمال را مطرح و تقویت می‌کند که شاید پیامبر(ص) به دلیلی که باید آن را پیدا کرد، اساسا کسی را حد نزده باشد. اما اگر پیامبر(ص) کسی را حد نزده باشد، قطعاً زدن حد به ایشان

نقد تاریخی داستان اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) در رویداد افک با توجه به گزارشات قرآن /// ۱۹

واجب شرعی نبوده است. پس به عنوان یک احتمال، این امکان که در رویداد افک اجرای حد قذف، بر پیامبر(ص) واجب نشده باشد، قابل طرح و توجه است. اما با توجه به این که یک واقعیت تاریخی برای آیات افکی که قرآن کریم گزارش می کند، غیر قابل انکار است، جهت نزدیک شدن به دریافت گزارشی صحیح و همخوان با قرآن از ماجرای افک از مجموع روایات وارده، دریافت نظر قرآن کریم در رابطه با امکان عدم اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) از طریق بازخوانی و تدبر در آیات قذف و افک و سیاقی که در آن قرار دارند، از آن رو که در گزینش روایات هم خوان با قرآن از جهت اجرا یا عدم اجرای حد نقش شاخصی دارد، مفید فایده خواهد بود.

۵-۱. بازخوانی و تعمق در آیات قذف و افک و درک چیستی رویداد افک از زبان قرآن

آیات ابتدایی سوره نور با اعلام حد شرعی زنا آغاز شده و پس از آن حد شرعی تهمت زنا به زنان شوهردار بدون آوردن چهار شاهد را، اعلام می دارد که این آیات به آیات قذف مشهور شده اند. سپس سوره با آیات افک ادامه می یابد. قرآن کریم در آیات افک یک رویداد اجتماعی را گزارش می کند که طی آن تهمت فحشاء علیه یکی از زنان جامعه اسلامی ساخته شده و شیوع عام پیدا کرده است. گرچه قرآن کریم صراحتاً نام این بانو را مطرح نمی سازد ولی توجه به سیاق آیات و نیز شأن نزول نشان می دهد که صحبت از تهمت و بهتان بزرگی است که به یکی از همسران پیامبر(ص) زده شده است (نک: طباطبایی، ۱۵ / ۸۹)، لذا مفسران قرآن کریم به اجماع معتقدند او یکی از همسران پیامبر(ص)، یا بانو عایشه و یا بانو ماریه، بوده است. به روایت قرآن کسانی که این تهمت را ساختند، گروهی پیوسته و دست به دست هم داده، از بین مسلمانان بودند و از آیات

چنین برداشت می‌شود که این گروه با هم تبانی و ارتباط داشتند و در این تهمت، توطئه‌ای در کار بوده‌است تا با تراشیدن این دروغ و اشاعه آن قداست پیامبر (ص) را خدشه‌دار کنند (نک: طباطبایی، ۱۵ / ۹۰). سپس افرادی دیگر از جامعه اسلامی این تهمت را شنیده و بدون تحقیق و تدبر این شایعه را، دهان به دهان پخش می‌کنند تا این که مطلب در میان مسلمانان شهرت یافته و سر و صدا به راه می‌اندازد (نک: طباطبایی، ۱۵ / ۹۱ و ۹۲). لذا خداوند مومنین را سرزنش می‌کند که چرا وقتی افک را شنیدید به جای اینکه نسبت به مؤمنین متهم، حسن ظن داشته باشید، به سازنده افک، حسن ظن پیدا کردید و بدون علم در باره اهل ایمان سخنی گفتید؟ (نک: طباطبایی، ۱۵ / ۹۱) و سپس از آنان سوال می‌کند که چرا سازندگان افک، چهار شاهد نیاوردند؟ و حال که چهار شاهد نیاوردند نزد خدا از دروغ‌گویانند (النور، ۱۳). و باز دیگر بار مومنان را سرزنش می‌کند که اگر فضل و رحمت خدا نبود، به خاطر این خوض و تعقیبی (فیما افضتم فیه) که درباره داستان افک کردید، عذاب عظیمی در دنیا و آخرت به شما می‌رسید (نک: طباطبایی، ۱۵ / ۹۱ و ۹۲). کلمه‌ی «أَفْضُتُمْ» در موردی به کار می‌رود که در مسئله‌ای بسیار گفتگو شود و همه را به خود مشغول سازد و این نشان می‌دهد که تهمت به همسر پیامبر مسئله‌ی روز شده و همه به آن مشغول بودند. (نک: قرائتی، ۶ / ۱۵۵) سپس خداوند گناه بزرگ مسلمانان را به تصویر می‌کشد که چگونه آن تهمت بزرگ را زبان به زبان از یک‌دیگر می‌گرفتند و با دهان‌هایشانان چیزی می‌گفتند که هیچ معرفت و شناختی به آن نداشتند و آن را کاری ناچیز و سبک می‌پنداشتند، در حالی که نزد خدا بس بزرگ بود (النور، ۱۵). و به این ترتیب بهتان بزرگی را که گروهی عصبه ساخته بودند، مسلمانانی دیگر بدون آنکه در آن سخن تدبر و تحقیق کنند، و بدون این که به آن علمی داشته باشند، شنیده، پذیرفته و دهان به دهان انتقال

نقد تاریخی داستان اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) در رویداد افک با توجه به گزارشات قرآن /// ۲۱

دادند (نک: طباطبایی، ۱۵ / ۹۲) و این بهتان بزرگ نقل مجالس شد در حالی که نه تنها آبروی زنی شوهردار، مومن و غافل را (النور، ۲۳) که آبروی پیامبر(ص) را نیز نشانه رفته بود و شیوع افک در باره پیامبر(ص) موجب می شد حضرت در میان مردم انگشت‌نما شده و امر دعوت دینی‌اش تباه شود. (نک: طباطبایی، ۱۵ / ۹۲) گزارشات قرآن از این که پیامبر(ص) در رویداد افک چه کرد به صراحت سخنی نمی گویند اما آنچه روشن است پیامبر(ص) موفق نشد شایعه را متوقف کند و وحی الهی به یاریش آمد. با نزول حکم و جوب حد بر تهمت‌زنندگان به زنان شوهردار بدون آوردن چهار شاهد، عصبه‌ای که شایعه را ساخته بودند، شاهد بر تهمت ناروایشان نیاوردند و رسوا شدند. حکم قرآن بر دروغگو بودن و فاسق بودنشان (النور، ۴ و ۱۳) بر این رسوایی افزود و شایعه نیز خاموش شد.

۲-۵. دلالت پنهانی گزارشات قرآنی رویداد افک بر عدم وجوب اجرای حد به قاذفین

گزارشات قرآنی، رویداد افک را به این صورت به تصویر می کشد که شایعه تهمت ناروا به یکی از همسران پیامبر(ص) توسط یک گروه به هم پیوسته و دست به دست هم داده، ساخته می شود و به خاطر ناآگاهی جامعه اسلامی از طرز برخورد مومنانه با چنین شایعاتی، دهان به دهان گشته و نقل مجالس می شود. بدین طریق شایعه اوج می گیرد.

نکته قابل توجه این است که اگر آیات اعلام وجوب حد هشتاد ضربه تازیانه بر تهمت‌زنندگان به زنان شوهردار، پیش از اوج گرفتن شایعه نازل شده بود، مسلماً حداقل ترس از وجوب حد بر تهمت‌زننده، هم سازندگان افک را و هم کسانی را که افک را دهان به دهان انتقال دادند، از این کار باز می داشت. این مطلب خیلی بعید به نظر می رسد که با وجود اعلام حکم حد هشتاد ضربه

شلاق بر قاذف و تهمت زننده به زن شوهردار توسط قرآن کریم، افرادی جرات و جسارت داشته باشند تهمتی تا این حد وسیع را علیه همسر شخص پیامبر(ص) ساخته و پخش کنند و از حد و هشتاد ضربه شلاق و مخالفت با قرآن ترسی نداشته باشند، و پیامبر(ص) نیز آن‌ها را حد نزنند.

پس گزارش قرآن مبنی بر این که شایعه اوج گرفته است، نشان می‌دهد که آیات حکم حد قاذف، پس از اوج گرفتن شایعه نازل شده‌اند. یعنی ابلاغ حکم حد، هم به پیامبر(ص) و هم به شایعه‌سازان، پس از اوج گرفتن شایعه انجام شده است. پس از آن چند روزی به شایعه‌سازان و شایعه‌پراکنان فرصت داده شده تا یا چهار شاهد برای تهمت ناروایشان بیاورند یا مفتضح شوند و بس کنند. آنچه مسلم است شایعه‌سازان نتوانستند شاهی بر تهمتشان بیاورند چون در آیات افک که اندک زمانی پس از آیات قذف نازل شد، خداوند از مومنان می‌پرسد «چرا سازندگان تهمت، چهار شاهد بر راستی تهمت ناروایشان نیاوردند؟ و حال که نتوانستند شاهد بیاورند نزد خدا از دروغگویانند» (النور، ۱۳).

دلیل دیگر بر این که وجوب حکم حد بر قاذف، پس از اوج گرفتن شایعه نسبت به همسر پیامبر(ص) نازل شده است عبارت قرآنی «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسِبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ» (النور، ۱۵) می‌باشد که نشان می‌دهد شایعه‌پراکنان در زمانی که این شایعه را دهان به دهان پخش می‌کردند، آن را کاری ناچیز و سبک می‌پنداشتند نه گناهی بزرگ. این خود دال بر آنست که مردم حتی تا زمان اوج گرفتن شایعه، در مورد این که تهمت زدن به زن شوهردار گناهی بزرگ است و بر تهمت زننده حد واجب می‌شود، آگاهی نداشته‌اند پس آیه قذف باید پس از بالا گرفتن شایعه نازل شده باشد.

نقد تاریخی داستان اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) در رویداد افک با توجه به گزارشات قرآن /// ۲۳

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت از آن رو که نزول حکم حد قاذف، پس از اوج گرفتن شایعه رخ داده است، و این که حکم عطف به ماسبق نمی‌شود و انجام مجازات و کیفر حد، بدون هشدار قبلی عادلانه نیست، در رویداد افک زدن حد به تهمت‌زنندگان، بر پیامبر(ص) واجب نشده بود. نیز بنا به دلایل ذکر شده همه قاذفین از کیفر حد رهایی یافتند اما پس از نزول آیات قذف، برخی مردم از روی دلایل ایمانی و برخی به خاطر پرهیز از حد خوردن و رسوایی، نقل شایعه را متوقف کردند و شایعه خاموش شد.

۵-۳. دلیل تاخیر نزول حد قذف تا زمان اوج گرفتن شایعه

اکنون ممکن است این سوال پیش بیاید که چرا خداوند حد قذف را زودتر نازل نکرد، تا شایعه تهمت به همسر پیامبر(ص) آن قدر اوج نگیرد و پیامبر(ص) آن همه سختی و فشار را از جانب بسیاری اصحابش، تحمل نکند؟ علت این امر می‌تواند همان سنت همیشگی الهی یعنی آشکار کردن ایمان و کفر و نفاق و حتی درجات ایمان باشد. در این جریان اصحاب پیامبر(ص) گروه گروه شدند. یک گروه عصبه‌ای بودند که تهمتی علیه همسر پیامبر(ص) را ساختند و به جامعه اسلامی تزریق کردند. گروه دیگر مومنانی بودند که شایعه را بدون تحقیق پذیرفته و دهان به دهان انتقال دادند تا نقل هر مجلس شد و گروهی نیز مومنان اندکی که در کنار پیامبر(ص) ثابت قدم ماندند. پس از نزول حد قذف، شایعه متوقف شد چون کسی شهادی بر فحشاء همسر پیامبر(ص) نداشت. سپس به سازندگان افک فرصتی چند روزه داده شد تا بر بهتان خود چهار شاهد بیاورند، ولی آنان نتوانستند شهادی بر بهتان بزرگ خود بیاورند. سپس آیات افک نازل شده اعلام کرد اینان چون نتوانستند شاهد بیاورند، نزد خدا از دروغگویانند، پخش کنندگان شایعه نیز خطایی انجام داده‌اند که نزد خدا بس بزرگ است. به این ترتیب خداوند چیزی

را که خود و رسولش (ص) می‌دانستند، برای مومنین اثبات کرد و درجات مختلف ایمان و نفاق افراد جامعه اسلامی به خودشان و دیگران نشان داده شد.

۵-۴. جمع‌بندی گزارشات قرآنی رویداد افک

۱- رویداد افک مربوط به زدن تهمت ناروا به یکی از همسران پیامبر(ص) بوده است.

۲- این دروغ بزرگ و تهمت ناروا را گروهی همدست و متشکل از خود مسلمانان، ساختند.

۳- تعداد زیادی از مسلمانان این شایعه را بدون تحقیق دهان به دهان پخش کردند، در حالی که فکر نمی‌کردند این کار گناهی بزرگ باشد.

۴- در زمانی که شایعه به اوج خود رسید، آیات قذف شامل وجوب حد بر تهمت‌زنندگان به همسر پیامبر(ص) در صورت نیاوردن چهار شاهد، نازل شد.

۵- سازندگان شایعه نتوانستند چهار شاهد بیاورند، لذا شایعه فروکش کرد.

۶- آیات افک نازل شده و دروغگو بودن شایعه‌سازان و خطاکار بودن شایعه‌پراکنان و راه کار برخورد صحیح با چنین شایعاتی ارائه کرد.

۷- چون حکم حد قذف پس از به اوج رسیدن شایعه، ابلاغ گردید؛ پیامبر(ص) موظف به اجرای حد نشد چرا که حکم شرعی عطف به ماسبق نمی‌شود.

۸- سازندگان تهمت و پخش‌کنندگان آن، هیچ یک حد نخوردند.

۵-۵. خلاصه نظر گزیده مبنی بر عدم وجوب اجرای حد بر قاذفین بر پیامبر(ص)

به طور خلاصه گزارشات تاریخی قرآن در باره رویداد افک که مبنی بر مشارکت تعداد زیادی از مسلمانان در ساختن و نیز شایع کردن تهمت ناروا به همسر پیامبر(ص) می‌باشد، و این که در تاریخ، حد زدن تعداد زیادی از مسلمانان توسط

نقد تاریخی داستان اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) در رویداد افک با توجه به گزارشات قرآن /// ۲۵

پیامبر(ص) در یک برهه تاریخی گزارش نشده است، این احتمال را مطرح و تقویت می کند که شاید پیامبر(ص) اساساً کسی را حد نزده باشد. از طرفی همان گزارشات قرآنی مبنی بر بالا گرفتن شایعه در جامعه اسلامی، به ذهن متبادر می سازد که حکم حد قاذف پس از اوج گرفتن شایعه نازل شده است والا ترس از تازیانه خوردن قطعاً جلوی بروز و بالا گرفتن شایعه را می گرفت. به علاوه گزارش قرآن در مورد شایعه پراکنان مبنی بر آن که تهمت را بدون علم و تحقیق دهان به دهان پخش کردند و این را کاری سبک می شمردند، دلالت دارد که مسلمانان حتی تا زمان اوج گرفتن شایعه، از بزرگی گناه تهمت زدن به زن شوهردار آگاه نبودند و این نیز دال بر آن است که حکم حد قاذف پس از اوج گرفتن شایعه نازل شده است.

در نهایت از آنجا که حکم حد پس از اوج گرفتن شایعه نازل شده است، و حکم عطف به ماسبق نمی شود، زدن حد بر تهمت زندگان بر پیامبر(ص) واجب نبوده است. بنابراین روایات افک عایشه، از نقطه نظر اجرای حد، دارای اشکال اساسی و حد خوردن چهار نفر طبق ادعای روایات افک عایشه در تقابل اساسی با قرآن و لذا یک دروغ تاریخی به شمار می رود.

۶. اجرای حد بر قاذفین در رویداد افک توسط پیامبر(ص)، داستانی ساختگی

بنابر استدلالاتی که از نظر گذشت، روایات افک عایشه، از نقطه نظر اجرای حد، دارای اشکال اساسی و حد خوردن چهار نفر طبق ادعای روایات افک عایشه در تقابل اساسی با گزارشات قرآن از رویداد افک قرار دارند. بنابراین اجرای حد قذف بر تهمت زندگان به همسر پیامبر(ص) توسط ایشان یک داستان ساختگی است و دروغی تاریخی به شمار می رود که چون روایات افک عایشه به شهرت رسیده اند، این داستان ساختگی، توسط تعداد زیادی از دانشمندان مسلمان و عوام،

حقیقی تصور شده و پذیرفته شده است. اما اکنون که با استدلال مشخص شد این داستان با گزارشات قرآنی در تقابل اساسی است، باید در پذیرش آن به طور جدی تجدید نظر نمود.

۷. نتیجه پذیرش عدم وجوب اجرای حد بر قاذفین، بر پیامبر (ص) در مصداق شناسی آیه افک

در پاسخ به این سوال که مصداق واقعی رویداد افک گزارش شده توسط قرآن کیست باید گفت از آنجا که در منابع روایی تنها دو تن از همسران پیامبر (ص) یعنی بانو عایشه و بانو ماریه به عنوان مصداق آیات افک معرفی شده‌اند، و نیز با توجه به این که روایات افک ماریه اصولاً از حد زدن کسی توسط پیامبر (ص) سخنی نمی‌گویند، می‌توان گفت روایات افک ماریه از این جهت نسبت به روایات افک عایشه در تطابق و هم‌خوانی بیشتری با گزارشات قرآن از رویداد افک هستند. لازم به تذکر است روایاتی که ادعا می‌کنند رویداد افک مربوط به ماریه قبطیه بوده است نه تنها در کتب شیعه پرتکرارند (نک: قمی، ۲ / ۱۰۰ و ۳۱۸ - ۳۱۹ و ۹۹ - ۱۰۰؛ بحرانی، ۳ / ۱۲۷؛ بروجردی، ۳۱ / ۲۷۶). بلکه با بازخوانی روایات افک در منابع اهل سنت متوجه می‌شویم یک گروه روایت غیر مشهور ولی بارز مربوط به افک ماریه در منابع اهل تسنن نیز مشاهده می‌شود (نک: حاکم نیشابوری، ۴ / ۴۱؛ مسلم، ۴ / ۲۱۳۹؛ ابن عساکر، ۳ / ۴۵ - ۴۶ و ۲۳۵ - ۲۳۷؛ ابن سعد، ۸ / ۱۷۲ - ۱۷۳؛ مقریزی، ۶ / ۳۲۹).^۱ این روایات اعلام می‌دارند که ماریه در مورد فرزندش ابراهیم مورد تهمت اهل افک قرار گرفته بود و جبرئیل برائت ماریه را به پیامبر (ص) خبر داد.

۱- نیز متقی هندی، ۱۱ / ۴۷۱: «إن جبریل أتانی فأخبرني أن الله قد برأ مارية وقربها مما وقع في نفسي، وبشرنی أن فی بطنها منی غلاماً وأنه أشبه الخلق بی، وأمرني أن أسمیه ابراهیم وكنانی بأبي ابراهیم...».

نقد تاریخی داستان اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) در رویداد افک با توجه به گزارشات قرآن /// ۲۷

از طرفی اساسی‌ترین اشکالی که از دیرباز به روایات افک ماریه وارد می‌شد این بود که چرا این دسته روایات، چه در نسخه شیعی و چه در نسخه سنی، سخنی از حد زدن تهمت‌زنندگان، به میان نمی‌آورند؟ این اشکال که پیامبر(ص) تهمت‌زننده به همسرش را حد زنند، در صورتی که آیه قذف در ترتیب قرآن قبل از آیه افک است، به حدی جدی و اساسی به نظر می‌رسید که از صدر اسلام تاکنون، همواره روایات افک ماریه در مواجهه با روایات افک عایشه به عقب رانده می‌شدند. اما با استدلالاتی که از نظر گذشت، می‌بینیم که این اشکال، نه تنها نقطه ضعف روایات افک ماریه نیست بلکه نقطه قوت این روایات است زیرا گزارشات قرآنی دال بر آنند که اجرای حد بر قاذفین بر پیامبر(ص) واجب نبوده است. بنابراین پذیرش عدم وجوب اجرای حد بر قاذفین، بر پیامبر(ص) که از گزارشات قرآنی رویداد افک استنتاج می‌شود، اشکال اساسی روایات افک ماریه را تبدیل به نقطه قوت این روایات، و صحت روایات افک ماریه را آشکار می‌سازد.

۸. نتایج مقاله

۱. داستان اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) بر تنها چهار نفر از کسانی که به عایشه تهمت ناروا زدند، که از ادعاهای روایت مشهور افک عایشه است، در تقابل با گزارشات قرآنی رویداد افک است که نشان می‌دهند تعداد زیادی از مسلمانان در این تهمت فراگیر در گروه شایعه‌سازان یا شایعه‌پراکنان قرار داشته‌اند.^۱

۱- و اگر حدی توسط پیامبر اجرا می‌شد، می‌بایست گزارشات متعدد تاریخی از جانب منابع متفاوت موثق مبنی بر حد خوردن تعداد زیادی از مسلمانان (طبق گزارش قرآن) وجود می‌داشت که ندارد.

۲. اعلام قرآن کریم مبنی بر این که تهمت ناروا به دروغ توسط عصبه‌ای ساخته و توسط مسلمانان دهان به دهان گشته، نشان می‌دهد آیات شامل حکم حد قذف، تا قبل از اوج گرفتن شایعه نازل نشده بودند، والا حداقل ترس از وجوب حد بر تهمت‌زننده، هم سازندگان تهمت ناروا و هم کسانی را که تهمت را دهان به دهان انتقال دادند، از این کار باز می‌داشت.
۳. چون آیات قذف پس از اوج گرفتن شایعه نازل شده‌اند، و حکم شرعی حد عطف به ماسبق نمی‌شود، زدن حد قذف به تهمت‌زنندگان به همسر پیامبر(ص)، بر پیامبر(ص) واجب نبوده است و ایشان کسی را در این رابطه حد نزده‌اند.
۴. عبارت قرآنی «... وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ» نیز نشان می‌دهد مردم نمی‌دانستند تهمت ناروا به زن شوهردار چه گناه بزرگی است و آن را ساده می‌انگاشتند. این مطلب نیز دال بر آن است که حکم حد تا زمان اوج گرفتن شایعه به آنان و پیامبر(ص) ابلاغ نشده بود و اجرای حد در رویداد افک، نه وظیفه پیامبر(ص) بوده است و نه توسط ایشان انجام شده است.
۵. اجرای حد قذف بر چهار نفر با توجه به گزارشات قرآنی از رویداد افک، یک دروغ تاریخی بزرگ و داستانی ساختگی است.
۶. روایات افک عایشه به سبب تقابل کامل با قرآن در رابطه با اجرای حکم حد قذف توسط پیامبر(ص) غیر قابل پذیرشند.
۷. روایات افک ماریه، که از جمع روایات افک ماریه در منابع عامه و خاصه حاصل می‌شوند، و از حد زدن کسی سخن نمی‌رانند، در تطابق با گزارشات

نقد تاریخی داستان اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) در رویداد افک با توجه به گزارشات قرآن /// ۲۹

قرآنی رویداد افک بوده، و بیش‌ترین هم‌خوانی را با سیاق آیات در سوره نور و نیز آیات دال بر عصمت پیامبر(ص) دارند و مصداق حقیقی آیات افک را مشخص می‌کنند.



کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم، ترجمه انصاریان، حسین، چاپ اول، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۸۳ش.
- ۲- ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، چاپ اول، انتشارات دار الکتب العلمية، بیروت، ۱۴۱۰ش.
- ۳- ابن عساکر الشافعی، علی بن الحسن، تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها وتسمیة من حلها من الأماثل، محقق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، بی جا، انتشارات دار الفکر، بیروت، ۱۹۹۵م.
- ۴- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، مصحح: هارون، عبد السلام محمد، بی جا انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ۵- بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ یکم، انتشارات موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية، قم، ۱۴۱۵ق.
- ۶- بخاری، محمد بن إسماعیل، صحیح البخاری، بی جا، انتشارات موقع وزارة الأوقاف المصرية، ۱۴۱۰ق.
- ۷- بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعة، بی جا، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، ۱۳۸۶ش.
- ۸- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، محقق: مصطفی عبد القادر عطا، چاپ اول، انتشارات دار الکتب العلمية، بیروت، ۱۴۱۱ش.
- ۹- حجتی، سید محمد باقر، اسباب النزول، چاپ چهارم، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ش.
- ۱۰- ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، چاپ دوم، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م.
- ۱۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ یکم، انتشارات دار الشامیة، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- ۱۲- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، چاپ سوم، انتشارات دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- ۱۳- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، چاپ اول، انتشارات کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ۱۴- صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، محقق: محمد حسن آل یاسین، چاپ اول، انتشارات عالم الکتب، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- ۱۵- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، انتشارات مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، لبنان- بیروت، ۱۳۹۰ق.
- ۱۶- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: هاشم رسولی و یزدی طباطبایی، چاپ سوم، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
- ۱۷- همو، جوامع الجامع، مصحح: گرجی، ابوالقاسم، چاپ اول، انتشارات حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۲ق.

نقد تاریخی داستان اجرای حد قذف توسط پیامبر(ص) در رویداد افک با توجه به گزارشات قرآن /// ۳۱

- ۱۸- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوك (تاریخ الطبری)، مترجم: ابو القاسم پاینده، چاپ پنجم، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۵ش.
- ۱۹- همو، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، چاپ اول، انتشارات دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- ۲۰- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.
- ۲۱- عاملی، جعفر مرتضی، حدیث الافک، چاپ اول، مرکز نشر و ترجمه آثار علامه محقق، تهران، ۱۳۹۶ش.
- ۲۲- عسکری، سید مرتضی، نقش عایشه در احادیث اسلام، ترجمه محمد جواد کرمی، چاپ اول، ناشر علامه عسکری با همکاری دانشکده اصول دین، بی جا، ۱۳۹۰ش.
- ۲۳- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- ۲۴- فراهیدی، خلیل بن أحمد، العین، چاپ دوم، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۰۹ق.
- ۲۵- قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ اول، انتشارات مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، ۱۳۸۸ش.
- ۲۶- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، چاپ اول، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ش.
- ۲۷- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، چاپ سوم، انتشارات دار الکتب، قم، ۱۳۶۳ش.
- ۲۸- متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال فی سنن الأقبوال والأفعال، محقق: بکری حیانی - صفوة السقا، چاپ پنجم، انتشارات مؤسسة الرسالة، بی جا، ۱۴۰۱ق.
- ۲۹- نیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، محقق: محمد فؤاد عبد الباقی، بی جا، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- ۳۰- مغنیه، محمد جواد، التفسیر الکاشف، چاپ اول، انتشارات دار الکتب الإسلامی، قم، ۱۴۲۴ق.
- ۳۱- مقریزی، أحمد بن علی، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الخفدة و المتاع، چاپ اول، انتشارات دار الکتب العلمیة، قم، ۱۴۲۰ق.
- ۳۲- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ دهم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش.

نرم افزارها

- جامع تفاسیر نور، نسخه ۳، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- جامع احادیث، نسخه ۳/۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- مکتبه شامله، نسخه ۳/۶۷، اوقاف الشیخ محمد عبدالعزیز الراجحی، مکتبه الملک فهد، عربستان سعودی.
- نورالسیره، نسخه ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

